



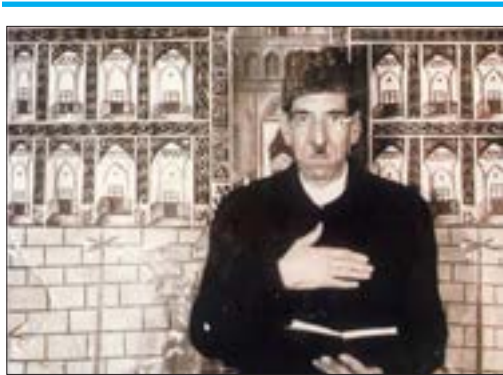
۹۰سال پیش تگرگ،سبب مرگ زنی در مشهد شد
بارش تگرگ‌هایی به اندازه تخم‌مرغ



سیدی اردیبهشت امسال پس از سال‌ها، ماه پربارانی بود؛ به‌ویژه برای مشهدی‌ که سال‌هاست آسمان بهارش بر زمین بخیل بوده است. اما این باران زیبا و نعمت الهی گاهی سبب دردرس مردم می‌شده است؛ به‌ویژه در قدیم که امکانات امروزی هم وجود نداشته و زندگی‌ها برپایه کشاورزی و دامداری می‌گذشته است. نمونه‌اش ۱۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۲ خورشیدی است که بارش زیاد باران، سبب خسارت‌های بسیاری به مردم مشهد می‌شود. روزنامه آزادی در همین باره می‌نویسد: «در این چند روز، بارندگی و تگرگ‌های سختی درمیان ولایت و تبادکان و قراء اطراف شهر نازل گردیده است. در اغلب نقاط، تگرگ به بزرگی تخم‌مرغ بوده است. کلیه(همه) مزارع تریاک و سایر زراعت‌ها و سردرختی‌ها را زده و خراب کرده است. همچنین به‌واسطه جریان گرفتن سیل، بعضی قنوات قراء(روستاها)، انباشته(به زباله شده‌اند) و خراب گشته‌اند. خسارت معتناپهی هم به رعایا و مالکین وارد گردیده است. اغنام و احشامی که در بیابان دچار تگرگ گردیده‌اند، تلف[شده‌اند] و به‌طورکلی از بین رفته‌اند». در همین روز یک اتفاق دیگر هم می‌افتد که خبرش، بعدها در روزنامه‌ها به چاپ می‌رسد. یک هفته بعد در کوه‌های خواجه‌مراد، نزدیک طرق، جنازه زن هفده‌ساله‌ای پیدا می‌شود که دکتر حجازی، رئیس پزشکی قانونی وقت،تشخیص می‌دهد بر اثر خوردن تگرگ بسیار به سرش مرده است. روزنامه آزادی با نوشتن این توضیح که خانواده این زن بیش‌تر خبرمفقودی او را اعلام کرده بودند، می‌نویسد: «در کوه‌های خواجه‌مراد، نزدیک طرق، جنازه زن هفده‌ساله‌ای پیدا می‌شود که متعفن شده و گوشت‌های بدن حتی امعاء و احشاء او را حیوانات خورده‌اند. مأمورین امنیه، جنازه را به قلعه طرق برده، پس از وصول راپورت به شهر، آقای بیدار، مستنطق و آقای دکتر حجازی، طبیب قانونی عدلیه، برای معاینه جنازه رفته‌اند و اجازه دفن می‌دهند. به قرار مسموع(شنیده‌ها)، متوفی زهرانام زنی بوده که خانواده‌اش همان روز بارش تگرگ، خبر مفقودی او را اعلام کرده‌اند. گویا این زن بیچاره را یارسال شوهرش طلاق داده و بر اثر این افتراق(طلاق)، دچار اختلال مشاعر می‌شود و حالت جنون پیدا کرده بوده است. به‌خاطر همین آشفتگی روان هم، در ۱۲۴ اردیبهشت، از قریه خارج شده و مفقود می‌گردد. تااینکه پس از هفته‌ای، جنازه او با وضعیت مذکوره پیدا می‌شود».



باقیات صالحات ملاحسین کاشفی



سعیده ساجدی‌نیا|مشهد به دلیل وجود مزار مطهر حضرت رضا^(ع)،از قدیم یک شهر مذهبی و دارای احترام بوده است. پرواضح است که وجود این موهبت، سبب ایجاد تفاوت‌هایی در آن با سایر ولایات ایران می‌شده است، یکی از این تفاوت‌ها، وجود مشاغل در آن بوده که در دیگر شهرها و آبادی‌ها صلا نپوده یا کمتر دیده می‌شده است؛ البته مشاغل نیز وجود داشتند که علاوه بر ارض اقدس در همه نقاط ایران یافت می‌شدند. در سطرهای بعدی، چند نوع از این مشاغل را معرفی می‌کنیم.

● زیارت‌نامه‌خوان

زیارت‌نامه‌خوان‌ها کسانی بودند که مستمر و به‌عنوان پیشه، به‌جای افراد بی‌سواد زیارت‌نامه می‌خواندند و بابت آن، وجه دریافت می‌کردند. آن‌ها در یکی از مدخل‌های حرم امام‌هشتم^(ع) می‌ایستادند و از زائران پرس و جو می‌کردند که آیا به‌جایشان زیارت‌نامه بخوانند یا نه و درصورت تأیید، همراهشان راه می‌افتادند و با صدای بلند، اذن دخول اول، دوم، دعای یابین‌یا و بالاسر را می‌خواندند و درنهایت با خواندن دعای استغفار روبه‌قبله، یا... گویان، منتظر دریافت اجرشان می‌شدند تا سراغ دیگری بروند.

● کفشدار آستانه

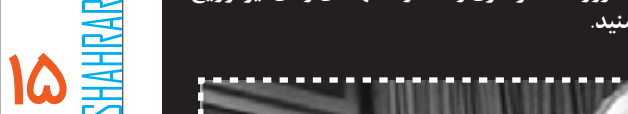
آن‌زمان حرم امام‌رضا^(ع) چند مدخل داشت که ابتدای هر مدخل، میز یا قفسه‌ای شماره‌گذاری شده بود؛ پشتش، خادمی می‌ایستاد و کفش زائران را در محفظه‌ها می‌گذاشت و با دادن یک قطعه فلزی، رسید می‌داد که زائر هنگام بازگشت، باید آن فلز را تحویل می‌داد تا کفشش را بگیرد و اگر آن را گم می‌کرد، باید تا آخر وقت در کفشداری می‌ماند! اگر مدعی‌ای پیدا نمی‌شد یا دو نفر شهادت می‌دادند که این کفش متعلق به فرد است، بدون دریافت شماره، کفش را تحویل می‌دادند. زائر مبلغی را به کفشدار هدیه می‌داد و آخر ماه، این مبلغ میان کفشدارها تقسیم می‌شد.

● روضه‌خوان

زمان صفویه، مرحوم ملاحسین کاشفی، روایات و اشعار واقعه کربلا را جمع‌آوری کرد و با نام «روضه‌الشهدا» انتشار داد و کسانی که سواد داشتند، یا خواندن بخش‌هایی از آن کتبا، دیگران را به گریه می‌انداختند. به‌تدریج افرادی پیدا شدند که درقبال دریافت اجرت، روضه‌خوانی می‌کردند و آن‌ها که اشک عده بیشتری را درمی‌آوردند، ارزش منبرشان بیشتر می‌شد. روضه‌خوان‌ها غیر از داشتن صدای گیرا و از بر کردن و خواندن مصیبت‌نامه‌های سوزناک درباره شهدای کربلا، باید مردم‌شناس و روان‌شناس هم می‌بودند.



۲۷ شهریور ۱۳۹۲
۲۴ شهریور ۱۳۹۲
۲۳ شهریور ۱۳۹۲



پروفسور پرناورد به تهران می‌آید

هنوز پای جراح مشهور به ایران نرسیده است که اخبار حضورش در میان مطبوعات دست به‌دست می‌شود. دو روز قبل از حضور برنارد در ایران، خبرنگار «خراسان» از سفر جراح معروف قلب جهان به تهران در روز چهارشنبه خبر می‌دهد؛ البته این شخصیت علمی روز سه‌شنبه به تهران وارد می‌شود و از چهارشنبه باز دیدهایش را شروع می‌کند. طبق برنامه، برنارد عصر چهارشنبه در تلوویزیون ملی ایران در یک مصاحبه اختصاصی شرکت خواهد کرد. مطلب دیگری در شماره ۵۴۵۶ روزنامه خراسان، خبر حضور برنارد در ایران را تکمیل می‌کند و می‌نویسد: «پروفسور برنارد وارد تهران شد». روزنامه اطلاعات جزئیات بیشتری از ورود پزشک معروف به چاپ می‌رساند. این پزشک همراه همسرش در میان شور و هیجان صدها نفر از مردم تهران که برای دیدار وی به فرودگاه مهرآباد رفته بودند، وارد تهران می‌شود. بسیاری از افرادی که به استقبال برنارد می‌آیند، پزشک و پرستار هستند. بعضی بیماران قلبی هم خودشان را به فرودگاه رسانده‌اند و تصور می‌کنند پروفسور می‌تواند در آن شلوغی به سؤالات آن‌ها پاسخ بدهد. آن‌ها امید بهبودی را در حضور این جراح معروف جست و جو می‌کنند و منتظر یک معجزه هستند؛ البته امید همه خبرنگاران، بیماران و سایر استقبال‌کنندگان به ناامیدی گره می‌خورد؛ چون او خیلی زود به داخل خودرو هدایت می‌شود و به هتل هیلتون می‌رود، حتی آنجا هم تعدادی در انتظار این پزشک هستند. دکتر برنارد هدف از سفرش را حضور در سه کنفرانس اعلام می‌کند. او البته برخلاف آنچه در بعضی اخبار آمده است، به‌صراحت از پذیرش بیمار خودداری می‌کند و می‌گوید: «من فقط در بیمارستانی که هستم، با قلب سروکار دارم و در اینجا فقط کنفرانس می‌دهم».

بورس برنارد در ایران

برخلاف دو روزنامه خراسان و اطلاعات که گزارش روزانه از فعالیت‌های دکتر برنارد تهیه می‌کنند، روزنامه‌آفتاب شرق به‌دادن خبرهای کوتاه‌در بعضی شماره‌هایش بسنده می‌کند. آفتاب شرق در یکی از این اخبار در ۱۲۶ اردیبهشت ۱۳۴۷ خورشیدی که به نقل از روزنامه کیهان به چاپ می‌رساند، از به‌راه افتادن بورس برنارد در ایران و فرصت مطالعاتی برای دانشجویان پزشکی ایرانی با نام این شخصیت خبر می‌دهد. این روزنامه می‌نویسد: «بورسی به نام بورس برنارد به افتخار دکتر کریستین برنارد، جراح عالی‌قدر قلب که به ایران آمده است، تهیه کرده و در اختیار شورای تشویق و معاونت دانشجویان گذاشته است. این بورس به بهترین فارغ‌التحصیل دانشکده‌های پزشکی ایران اهدا می‌شود. این بورس برای مطالعه یک‌ساله در یکی از مراکز پزشکی بزرگ جهان است». همچنین مهندس توکلی که یکی از مترجمان اطلاعات هفتگی در آن زمان است و شش‌سال درایت‌الیا در رشته مجسمه‌سازی تحصیل کرده است، از روی عکس‌های او در مطبوعات، مجسمه‌ای می‌سازد و به دکتر جراح تقدیم می‌کند.



همسر برنارد به مطبوعات ایرانی چه گفت؟

لوکی برنارد، همسر این پزشک معروف است که او را همراهی می‌کند. این حضور، توجه مطبوعات ایرانی را به خود جلب می‌کند، تاجایی که یک مصاحبه با او ترتیب می‌دهند. خبرنگار اطلاعات در طبقه پانزدهم هتل هیلتون با خانم برنارد به گفت‌وگو می‌نشیند. او پرستاری بوده است که در دوره کارآموزی در بیمارستان گرت‌شور با برنارد آشنا می‌شود و با او ازدواج می‌کند؛ البته زمان حضور در تهران از ازدواج آن‌ها حدود بیست سال گذشته است و آن‌ها دو فرزند شانزده و هجده‌ساله دارند. لوکی می‌گوید: «کار بزرگ من، این است که برای دریچه‌های قلب مصنوعی که دکتر برنارد به‌کار می‌برد، روپوش‌های ظریفی از داکرون تهیه می‌کنم. این فقط یک سرگرمی نیست، بلکه کار ارزنده‌ای است»؛ البته خبرنگار اطلاعات به سراغ حواشی هم می‌رود و از تصویری که از دکتر برنارد در کنار سوفیا لورن منتشر شده است، می‌پرسد و پاسخ می‌شود: «دکتر برنارد تا چند ماه پیش، پزشک گمنامی بود اما امروز شهرت پردامنه‌ای دروازه‌های خود را به روی او گشوده است. او برای میلیون‌ها نفر یک قهرمان افسانه‌ای است».

راه آن، به‌تدریج درحال از بین رفتن است». او درحالی قدم به ایران گذاشته است که مقدمات سومین عمل درآفریقای جنوبی درحال فراهم شدن است و او باید خودش را به آن جراحی برساند. پزشک معروف ۱۲۹ اردیبهشت ایران را ترک می‌کند و البته در پایان این سفر معلوم می‌شود که او به مشهد نخواهد آمد. حالانمی دانیم برنامه فشرده پروفسور، مانع حضور او در شهر ما شده یا از همان ابتدا، روزنامه «خراسان» برای جلب‌نظر خوانندگانش، چنین خبری را داده است.

و اولین کشور آسیایی بعد از انجام دو عمل تعویض قلب دیدن می‌کند، امروز اعلام کرد که هزینه هنگفت عمل تعویض قلب با حرکتی که دنیای پزشکی در این زمینه در چند ماه گذشته از خود نشان داده، به‌تدریج کاهش می‌یابد و این عمل در آینده به‌صورت یک عمل جراحی ساده درخواهد آمد».

جراح چهل و دوساله آفریقای جنوبی که گویا همیشه لیخند به لب دارد، از عمل پیوند قلب دفاع می‌کند و به روزنامه اطلاعات می‌گوید: «آینده عمل تعویض قلب، روشن می‌باشد و مشکلات در

روایت حضور جادوگر جراحی قرن در ایران، پس از انجام نخستین پیوند قلب در جهان

«برنارد» در تیر روزنامه‌ها به مشهد آمد!

سیدنعمه زینبی| برای آن‌ها که بیماری قلبی امانشان را بریده بود و در انتظار بهبود بودند، شاید خبر اینکه دکتر برنارد معروف، جراح و نخستین پیونددهنده قلب در جهان به مشهد قدم می‌گذارد، یک خبر مسرت‌بخش و امیدآفرین بود. این خبر در روزهای آخر اردیبهشت سال ۱۳۴۷ در مطبوعات مشهد منتشر شد. این اتفاق آن قدر در آن زمان مهم بوده است که چند در جهان روز در صدر اخبار قرار می‌گیرد و همه جزئیات مربوط به آن در ایران پوشش داده می‌شود. در سالروز این حضور به‌سراغ جرابید آن زمان رفته‌ایم و دو روزنامه مشهدی و یک روزنامه سراسری را که در مشهد آن زمان نیز توزیع می‌شد، مرور کرده‌ایم. سه روزنامه خراسان، آفتاب شرق و اطلاعات به کمک ما می‌آیند تا بدانیم این جراح قلب در ایران کجا رفت، چه گفت و چه شنید.



جرا برنارد مهم بود؟

اولین عمل تعویض قلب را دکتر برنارد بر روی «واشکانسکی» انجام می‌دهد و خبرش، دنیا را می‌لرزاند؛ البته عمر نخستین بیمار او به دنیا ق نمی‌دهد و او پس از چند روز می‌میرد. دکتر بدون توجه به حساسیت‌های به‌وجودآمده به سراغ دومین عمل پیوند قلب در بیمارستان کپ‌تاون می‌رود. بیمار دوم، خود یک پزشک است که البته زنده می‌ماند. این اتفاقات باعث می‌شود او شهرت بسیار زیادی پیدا کند و به کشورهای مختلف جهان دعوت شود. حضور وی در ایران به‌عنوان نخستین کشور آسیایی از این نظر اهمیت بیشتری دارد. این جراح معروف آفریقای جنوبی البته قول حضور در یک عمل قلب باز را به‌عنوان ناظر در بیمارستان پهلوی تهران (امام خمینی امروز) می‌دهد؛ البته این وعده در طول این سفر محقق نمی‌شود.



جراح قلب به مشهد می‌آید؟

«پروفسور برنارد به مشهد سفر می‌کند». این تیتیر روزنامه خراسان است که در دو صفحه ابتدایی و انتهایی خود به آن می‌پردازد. در شرح این خبر آمده است: «پروفسور برنارد که به دعوت وزیر دربار شاهنشاهی و رئیس دانشگاه پهلوی شیراز به ایران می‌آید، مدت چهار روز در ایران به‌سر خواهد برد. او ساعت ۳:۴۰ بامداد روز یکشنبه، تهران را ترک می‌کند و روانه اسپانیا می‌گردد و بعد به آفریقای جنوبی بازمی‌گردد. پروفسور برنارد طی اقامت خود در ایران، از عده‌ای بیمار قلبی دیدن خواهد کرد. تاکنون ۱۵۰ نفر که به بیماری قلبی مبتلا هستند، تقاضا کرده‌اند که بزرگ‌ترین جراح قلب جهان از آنان معاینه به عمل آورد. پروفسور برنارد در این سفر از پذیرفتن بیمار خصوصی خودداری می‌کند و تنها در بیمارستان شهرپانی، از چند بیمار عیادت خواهد کرد. پروفسور برنارد در روزهای پنجشنبه و جمعه از آبادان، مشهد و شیراز دیدن می‌کند، همین خبر است که نوید حضور این شخصیت علمی را در شهر امام‌رضا^(ع) می‌دهد و ما را رغب می‌کند سفر او را با اشتیاق بیشتری در مطبوعات آن زمان دنبال کنیم.

قلب را به برنارد می‌بخشم

خبر بعدی که می‌تواند توجه خوانندگان روزنامه را به خود جلب کند، تیتیر یک روزنامه خراسان است: «یک دختر ایرانی قلب خود را به پروفسور برنارد بخشید». برای اینکه از چند و چون این ماجرا باخبر شویم، باید به صفحه‌آخر این جریده برویم که نوشته است: «این دختر نوشته است من امروز با فردا خواهم مرد. قبل از اینکه قلب من از تیش بازماند، آن را به پروفسور برنارد می‌سیارم تا به انسانی که در انتظار زندگی جدید است، ببخشد و به او حیات دوباره بازگرداند». ادامه این خبر را باید در بیست‌وششمین روز اردیبهشت در روزنامه اطلاعات خواند: «در این هنگام، برنارد از دختر بیماری که حاضر شده است قلب خود را در اختیار برنارد بگذارد، دیدن کرد و اظهار امیدواری نمود که پیشرفت علم پزشکی، بتواند هرچه زودتر این دختر زیبایی شانزده‌ساله ایرانی را از ناراحتی نجات دهد». تیتیر دیگری این روزنامه، خبر از آمادگی برای اهدای قلب ده‌هائفر به برنارد می‌دهد و جالب است که از میان آن‌ها، یک زن اصفهانی گفته است «هزار ریال می‌پردازد تا برنارد را ببیند. این روزنامه می‌نویسد: «ده‌هائفر در تهران و شهرستان‌ها نامه می‌نویسند یا تلفن می‌کنند که ما ما حاضرم قلب خود را در اختیار پروفسور برنارد بگذاریم تا برای پیوند به انسان‌هایی که در آستانه مرگ قرار دارند، مورد استفاده قرار گیرد»؛ البته پروفسور معروف به آن‌ها این پیغام را می‌دهد: «دوستان عزیز! قلب‌های پاک و خوبتان را برای خودتان نگه دارید؛ زیرا من قلب انسان زنده را پیوند نمی‌کنم».



وعده‌ای که برنارد داد!

روزنامه اطلاعات نیز یک مصاحبه اختصاصی با پروفسور برنارد به چاپ می‌رساند. در آن زمان فقط دو پیوند قلب انجام شده است که پنجه‌های طلایی این پزشک، آن‌ها را به سرانجام رسانده و بارقه تازه‌ای از امید را در دل بیماران قلبی روشن کرده است. روزنامه اطلاعات در این باره می‌نویسد: «کریستین برنارد، جراح معروف و عالی‌قدر بشری که از ایران به‌عنوان بیست‌وسومین کشور دنیا

نکته : دکتر برنارد در املاي آن زمان مطبوعات ایران «بارنارد» نوشته شده است

با تشکر از:
بخش
مطبوعات مرکز
استاد آستان
قدس رضوی